

عامل اصلی شهادت شهید «شیبک» و دو همدستش بعد از یک ماه فرار بازداشت شدند.

سردار دوستعلی جلیلیان، فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان در این باره به سایت پلیس گفت: بیست و دوم اسفند سال گذشته ستوان دوم حسینعلی شیبک هنگام مأموریت کشف مواد مخدر و درگیری با اشرار مسلح بر اثر اصابت گلوله در یکی از محوره‌ای مواصلاتی شهرستان

بازداشت عامل

شهادت مأمور شیبک



است. پس از رصد و اقدامات شبانه‌روزی محل تردد عامل اصلی و دو نفر از مرتبطان شهادت ستوان دوم شیبک که قصد خروج از کشور را داشتند، در محور مواصلاتی شهرستان سراوان شناسایی شدند. عامل اصلی و دو نفر همدستش دستگیر و خودروی‌وی آنها نیز توقیف شد. متهم و همدستانش در بازداشت به سر می‌برند و تحقیقات از آنها برای مشخص شدن دیگر ابعاد پرونده ادامه دارد.

سناریوی هولناک برای قتل مادر بزرگ و عمو

محمد غمخور
 مدیر گروه حوادث

پسر جوان در جنایتی هولناک مادر بزرگ و عمویش را در شهرستان ملارد با ضربه‌های چاقو کشت. او پس از جنایت به دیدن مادرش رفت و به محل جنایت بازگشت.

به گزارش خبرنگار جام جم، هفدهمین روز بهار امسال زنی هراسان در تماس با پلیس ۱۱۰ از جنایتی هولناک در شهر ملارد خبر داد. این زن وحشت‌زده به پلیس گفت دو عضو خانواده همسایه‌اش غرق در خون هستند.

پس از این تماس تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی غرب استان تهران همراه بازپرس جنایی در محل قتل حاضر شدند. جسد غرق در خون زن میانسال و پسرش در فاصله کمی از هم روی زمین افتاده بود. بررسی خانه نشان می‌داد قاتل به راحتی وارد خانه شده و آثاری از ورود به زور روی در دیده شد. این سرنخ احتمال قتل از سوی قاتلی آشنا را مطرح کرد. قاتل با انگیزه انتقام وارد خانه شده و با ضربه‌های مرگبار چاقو به صورت و گردن مادر و پسر وارد کرده بود. همسایه مقتولان که با پلیس تماس گرفته بود، در جریان تحقیقات گفت: زن میانسال و پسرش در این خانه زندگی می‌کردند. گاهی نیز نوه پسری این زن به خانه‌شان می‌آمد. از دیروز متوجه غیبت آنها



برش

طلاق؛ تاوانی سخت برای فرزندان

سرهنگ فضل‌ا... سواری‌پور، رئیس پلیس آگاهی غرب استان تهران در این باره به خبرنگار جام جم گفت: متهم در تحقیقات مدعی شده با مادر بزرگ و عمویش اختلاف داشته و گاهی به دلیل شرابیت زندگی‌اش از سوی آنها تحقیر می‌شده است. به همین خاطر دو روز قبل از قتل با آنها دوباره درگیر شده و روز حادثه با ورود به خانه‌شان هر دو را کشته است. متهم با دستور

قضایی در بازداشت به سر می‌برد تا انگیزه اصلی‌اش از قتل مشخص شود. وی خاطر نشان کرد: بررسی گذشته این متهم نشان می‌دهد او در یک خانواده نابسمان بزرگ شده است. پدر در زندان و مادر در شهر دیگری زندگی می‌کرد. رشد در زندگی‌های نابسمان یکی از دلایل سوق افراد به خصوص نوجوانان و جوانان به سمت خلاف و جرم است. متاسفانه زوجین بدون توجه به آینده فرزند خود تصمیم به طلاق و جدایی می‌گیرند و این تصمیم تاوان سختی برای فرزندان دارد.

اتفاقیه

روایت خواهر از قتل عام خانوادگی در روستا

لیلا حسین زاده
 گروه حوادث

با گذشت سه روز از قتل اعضای یک خانواده در روستای قم قلعه مهاباد در استان آذربایجان غربی و دستگیری دو مظنون در رابطه با این جنایت، تحقیقات پلیس آگاهی درخصوص کشف انگیزه این جنایت همچنان ادامه دارد.

خانواده بهمن ماندگار لنگرودی که سه فرد مسلح او و همسر و مادرش را به قتل رسانده‌اند، روزهای سختی را می‌گذرانند. آنها می‌خواهند بدانند چه کسانی و با چه هدفی سه عضو خانواده‌شان را کشته‌اند. در ورودی محل جنایت پلمپ شده و هیچ‌کس به آن رفت‌وآمد ندارد. صدای بریسا محمدی، خواهر تاننی بهمن بر پر از خش است. او به جام جم می‌گوید در عزای آنها آن قدر شیون کرده که صدایش گرفته است: مادرم چند روزی به خانه برادرم رفته و قرار بود صبح روز جنایت به خانه برگردد، اما هرگز برنگشت. ساعت یک و هفت دقیقه نیمه‌شب بود که خواهر وسطی‌ام گفت بایدید که مادر را گولوله‌باران کرده‌اند. خودم را از مهاباد به سرعت به خانه برادرم رساندم. همه‌جا غرق خون بود. سه فرد مسلح صورت‌های‌شان را پوشانده و دستکش داشتند. برادرم دو پسر

شش ماهه و هشت‌ساله داشت. محمد پسر هشت‌ساله‌اش می‌گفت عمه من بیدار بودم که آنها آمدند، اما چون زیر پتو بودم من را ندیده بودند. زن داداشم داشت میران را شیر می‌داد، مادرم می‌خواست برای خواب آماده شود و برادرم هم مشغول بازی با گوشی‌اش بود. در خانه چون در یک

کوچه بن‌بست است و کسی واردش نمی‌شد، بازبود.

برادرم که ناگهان متوجه حضور فردی در خانه شده بود، جلوی دررفت که از همان جابه‌او شلیک کردند. برادرم کمی عقب افتاد و بعد بین هال و پذیرایی روی زمین افتاد. به مادرم هم تیراندازی کردند که روی میل افتاده بود. زن داداشم در حالی که میران را در آغوش گرفته بود، به سمت پنجره فرار کرد، اما او را هم با گولوله زدند. برادرم و همسرش را با

پرونده با دستور قضایی به پلیس آگاهی تهران رفت و شاکو در تحقیقات پلیسی گفت: چند روز مانده به شب عید از محل کارم بیرون آمدم تا به خانه‌ام بروم. در میدان آزادی سوار خودروی

سمندی شدم که مردی کنار راننده نشسته بود و گمان بردم که او باید مسافر باشد. با گفتن مقصدم به راننده سوار شدم و او ادامه مسیر داد. اما بعد از طی مسافتی از محله‌ای دیگر سر درآورد. با اعتراض به راننده، او یک‌دفعه توقف کرد و مردی که کنارش بود، پیاده شده و در صندلی عقب نشست. چاقویش را زیر گلویم گذاشت و تهدیدم کرد که با کوچک‌ترین مقاومتی مرا

کلاشینکف و مادرم را با کلت کشته بودند. حتی برادرم با چند شلیک اول هنوز زنده مانده بود که رحم نکردند و دوباره به او گولوله زدند. میران شش ماهه هم به خاطر جراحت روده‌اش قرار است صبح روز سه‌شنبه جراحی شود. او در مورد این‌که سارقان مسلح اشیا‌یی از خانه سرقت کرده‌اند، ادامه می‌دهد: زن داداش و مادرم هیچ طلا‌یی همراه‌شان نداشتند و زن برادرم هم طلا‌یی در خانه نگه نمی‌داشت که سرقت شود، اما افراد مسلح تمام مدارک شناسایی از کارت ملی تا عابر بانک هر سه نفر را با خودشان برده‌اند و حتی کیف مادرم هم نبود.

آن طور که خواهر داغ‌دیده می‌گوید، دایی‌شان که همسایه بهمن



است. آن سه نفر اراده‌ی‌بود، دایی‌ام می‌گوید می‌خواستم بخوابم که صدایی شنیدم. در را که باز کردم، دیدم یک نفر با کلت جلوی در ایستاده و

به من گفت برو تو هم از ترس به خانه برگشتم. او البته شلیک‌ها را ندیده بود، اما می‌گفت دو نفر از افراد مسلح قدبلند بودند که یکی‌شان کلت داشت و یکی هم کوچه‌را می‌پایید. اما نفر سوم، در خانه به برادرم، همسرش و مادرم شلیک‌کرده بود. سه روز قبل از این جنایت، زن داداشم فرد مشکوکی را در کوچه دیده بود به همسایه‌ها گفته بود شوهرم در خانه نیست، شما را به خدا مراقب باشید تا اگر اتفاقی

شده و بلافاصله پس از ورود اقدام به تیراندازی کرده‌اند که در اثر آن صاحبخانه، مادرش و همسرش در دم به قتل رسیده و فرزند کوچک صاحبخانه نیز مورد اصابت قرار گرفت که به مرکز درمانی منتقل شد و با وصول این خبر، کارآگاهان پلیس آگاهی شهرستان و تیم ویژه‌ای از کارآگاهان مرکز استان، بازپرس و شخص بنده در محل حضور یافته و تحقیقات انجام شد. فرضیه‌های مختلفی در خصوص این‌که چه کسانی و با چه انگیزه‌ای مرتکب جنایت شده‌اند، مطرح است. تحقیقات قضایی و انتظامی در حال انجام است و به محض حصول نتیجه اطلاع‌رسانی تکمیلی صورت خواهد گرفت.

نمانم. با دوستم سوار خودروی سمندم شده و در محله‌های تهران به عنوان مسافر بر تردد می‌کردیم تا سوزه‌های‌مان را از میان زنان و دخترانی انتخاب کنیم که به راحتی سوار خودروهای عبوری می‌شدند. چند بار مسافر زن سوار کردیم که در طول مسیر به ما شک کردند و تا‌کام ماندیم. اما دختر دیگر که سوار شد به ما شک نکرد که او را ربودیم و و دوستم وی را کتک زد و اموالش را به سرقت برد. با اعتراف او، همدستش نیز بازداشت و گفته‌های او را تایید کرد. حمیدرضا کیاستی نیا، بازپرس شعبه دوم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: با اعتراف این دو متهم، آنها در بازداشت به سر می‌برند و تحقیقات از آنها برای رازگشایی از دیگر جرایم‌شان ادامه دارد. همچنین از خانم‌ها می‌خواهیم که به راحتی به رانندگان عبوری اعتماد نکنند و سوار خودروهای‌شان نشوند چرا که ممکن است جان و مال‌شان به خطر بیفتد. همچنین مسئولان حمل‌ونقل شهری نیز باید نظارت بیشتری روی این خودروها داشته باشند تا این‌گونه رانندگان مرتکب چنین جرایمی نشوند.

جام جم

حوادث

۱۹

INCIDENT

سه‌شنبه ۲۱ فروردین ۱۴۰۳ ۱۴۳ شماره ۶۷۳۸

🕒 کوتاه‌ازحوادث

تهدید شوم سارق عاشق پیشه



پسر جوان بعد از جدایی از دختر مورد علاقه‌اش دست به انتقام‌گیری زد و با سرقت گوشی‌اش او را تهدید به انتشار فیلم و عکس‌های شخصی و خانوادگی‌اش در اینستاگرام کرد که تا‌کام ماند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، اوایل فروردین امسال دختری ۲۰ساله با حضور در شعبه اول بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۴ تهران از پسر ۲۲ساله به اتهام سرقت گوشی تلفن همراهش و تهدید به انتشار تصاویر و فیلم‌های موجود در آن شکایت کرد و گفت: چهار ماه قبل با پسری جوان در اینستاگرام آشنا شدم. با هم تلفنی حرف می‌زدیم و حتی به هم علاقه‌مند شدیم. مدتی بعد گفت که تصمیم به ازدواج با من دارد و خانواده‌اش را برای خواستگاری می‌فرستد اما زمانی که وعده داده بود، محقق نشد و فهمیدم ازدواجی در کار نیست و فقط یک دوستی است.

وی افزود، بعد از آن‌که از وی جدا شدم، تلفنی یا در خیابان برایم ایجاد مزاحمت می‌کرد، ترس به جانم انداخته بود. آن روز در خیابان تعقیبم کرد و می‌خواست مرا سوار خودرویش کند که با او درگیر شدم و فرار کردم اما او تعقیبم کرد و در یک لحظه با نزدیک شدن به من، گوشی‌ام را برقت کرد. ساعاتی بعد به خانه‌ام رنک زد و تهدیدم کرد اگر شکایت کنم یا به دوستی با وی ادامه ندهم، فیلم و عکس‌های خصوصی من و خانواده‌ام را در اینستاگرام منتشر می‌کند تا باعث متلاشی شدن یا خودکشی دسته‌جمعی خانواده‌ام شود. با شنیدن این حرف‌ها شوکه بودم و نمی‌دانستم چه کنم. می‌ترسیدم او این تهدیدهایش را عملی کند. دچار افسردگی شده بودم و حال و روزم را نمی‌فهمیدم. موضوع را با خانواده‌ام مطرح و بعد از او شکایت کردم.

در جریان این تحقیقات سرانجام دو روز پیش رد این پسر ۲۲ساله به دست آمد زمانی‌که قصد رفتن به خانه‌اش را داشت بازداشت شد. متهم در تحقیقات ابتدا مدعی شد که دختر جوان-شاکو- را نمی‌شناسد و گوشی او را به سرقت نبرده و کسی را تهدید نکرده است. بعد از این ضدونقیض گویی‌ها وقتی درمواجه حضوری با دختر جوان قرار گرفت به ناچار اعتراف کرد و گفت: در اینستاگرام با شاکو پرونده آشنا شدم و هدف از این ارتباط دوستی و خوشگذرانی با او بود. به دروغ او را فریب دادم که به‌وی علاقه‌مند شدم و قصد ازدواج دارم. وقتی به دروغ‌هایم پی برد از من دور شد اما من دست بردا نبودم. در ادامه تصمیم گرفتم گوشی‌اش را که از قبل می‌دانستم فیلم و عکس‌های خانوادگی و شخصی‌اش را در آن نگهداری می‌کند سرقت کنم.

وی افزود، آن روز تعقیبش کردم و به‌زور می‌خواستم او را سوار خودرویم کند که موفق نشدم. بنابراین دنبالش رفتم و توانستم گوشی‌اش را سرقت کنم و بعد در تماس با خانه‌شان او را تهدید کردم که نباید از من شکایت کند. در غیر این صورت فیلم‌عکس‌ها را در اینستاگرام منتشر می‌کنم و آبروی او و خانواده‌اش را می‌برم که مجبور شوند خودش دست‌جمعی‌کنند، اما نترسیدو از من شکایت کرد و بازداشت شد.

اکبری، بازپرس شعبه اول دادسرای ناحیه ۳۴ تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: با اعتراف سارق عاشق پیشه گوشی سرقتی از او کشف و تحویل شاکو شد و تحقیقات از متهم برای مشخص شدن دیگر جرایمش ادامه دارد.

بازداشت مرد مهمان برای قتل سرایدار



مرد مهمان که در جریان دعوا با مرد سرایدار او را به قتل رسانده و از دو سال قبل متواری شده بود، در قشم بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار «جام‌جم»، ساعت ۲۴ شامگاه بیست‌وهفتم مرداد سال ۱۴۰۱ مردی جوان که از ناحیه قفسه سینه زخمی شده بود به یکی از بیمارستان‌های تهران منتقل شد. اما ساعاتی بعد تسلیم مرگ شد. با تحقیقات اولیه معلوم شد که او نگهدیان یک برج در محله دربند بوده است. بنابراین برای تحقیقات بعدی به محل کار او رفتند که همکار وی در اظهاراتش گفت: مقتول دوستم بود. او دو ماه می‌شد در این برج کار می‌کرد. ۱۰ روز قبل از مرگش هم مرا به مدیر برج معرفی کرد و به عنوان سرایدار در کنار او در آنجا مشغول به کار شدم. آن شب هم یکی از دوستانم به آنجا آمد که انگار با گم‌ها به دلیل اختلاف داشتم که با دیدن یکدیگر درگیر شدند و مرد مهمان، همکارم را با ضربه چاقو کشت و فرار کرد.

با توجه به ادعاهای او، مأموران فیلم دوربین مداربسته برج را بازبینی کردندکه معلوم شد آن شب مقتول در را باز کرده و ضارب وارد شده از سمت لابی به سرایداری رفته و اسادتش به ما سراسیمه بیرون آمده و آنجا را ترک کرده است. با مشخص شدن هویت قاتل فراری، تحقیقات برای دستگیری او ادامه داشت تا این‌که با گذشت دو سال از این جنایت سرانجام رد قاتل درقشم به دست آمد. مأموران موضوع را بررسی کردندکه معلوم شد او در آنجا کارگری می‌کند. با هماهنگی قضایی تیمی از مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران به آنجا اعزام شدند و متهم در آنجا بازداشت شد. او در تحقیقات اولیه به قتل اعتراف کرد و مدعی بود چون مقتول به او فحاشی کرده با او درگیر شده و وی را به قتل رسانده است.

سرهنگ کارآگاه مرتضی نشاری، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ در این باره به «جام‌جم» گفت: با اعتراف اولیه متهم قرار شد او برای ادامه تحقیقات به پلیس جنایی پایتخت منتقل شود.

او خودش را عقب کشید و ناخواسته قمه به او اصابت کرد. بعد شهرام با چوب دو ضربه به سرش زد. همان شب به بیمارستان رفتم و فهمیدم حال بهروز وخیم است و فرار کردم. شهرام و شهرور هم در این جلسه منکر حرف‌های اکبر شده و گفتند در قتل نقشی نداشتند و اکبر می‌خواهد پای آنها را به ماجرای قتل بازکند.

پس از دفاعیات متهمان قضات وارد شور شده و اکبر را به قصاص و دو همدستش و برادر قربانی را به سه سال زندان بابت شرکت در نزاع منجر به قتل محکوم کردند.

